

دوشاه‌کلید برای نویس



رسانه و در بحث فرهنگ چگونه توانستید این اعتماد را جلب کنید؟
رشیدی: در یک یادداشت درباره کتاب اتفاقاً باید قلابی بسازیم که در جمله اول، خون روی صورت مخاطب بپاشد و مخاطب درگیر شود! در مقابل، در اتفاق جنایی جذابی چون طرف، نویسنده نیست، گزارشی می‌نویسد که می‌خوانید و لذتی نمی‌برید و فقط اطلاعاتی به دست می‌آورد؛ چیزی در ذهن شما ماندگار نمی‌شود و تنها تصویر مبهمی دارید در همین حد که یک کارگردان در فلان روز کشته شد. ولی ممکن است کسی تصویری بسازد که ضربان قلب شما را بالا ببرد. این اتفاق ممکن است در گزارشی نرم از نمایشگاه کتاب هم اتفاق بیفتد.

مقاومت برای بازنویسی!

امیر رضایی: در تکمیل سخنان شما باید بگویم بچه‌های داستان نویسی که ما با آنها کار می‌کنیم، متن اولیه را متن نهایی می‌دانند و معمولاً با بازنویسی مشکل دارند، چون بار اول برای نوشتن متن اولیه فشار زیادی به آنها وارد می‌شود، برای تغییر، مقاومت نشان می‌دهند، ولی در بازنویسی، متن آنها بهتر می‌شود. مسأله بعدی این است که مخاطب از تماشا اشباع شده و برای خواندن جزئیات این همه وقت نمی‌گذارد و می‌خواهد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مفهومی که مقصود نویسنده است، برسد. متن باید جذاب و کوتاه باشد؛ این نکات هم توسط بچه‌های داستان نویس رعایت نمی‌شود.

نشانه نویسنده موفق

رشیدی: توجه به قلاب اولیه و جملات کوتاه دو نکته مهم است. توجه به این دو نکته مزیت مهم دیگری نیز دارد و می‌توانیم نویسنده خوب را از نویسنده معمولی یا نانویسنده تشخیص بدهیم و در خرید و انتخاب کتاب به ما کمک می‌کند. برخی نویسنده‌ها در دو پاراگراف این کار را انجام می‌دهند. هرچه قلاب کوتاه‌تر باشد بهتر است. نویسنده‌ای موفق است که قلابش در جمله اول بگیرد.

بازنویسی مرز خطرناکی دارد من هفت یا هشت سال پیش کتاب‌هایی نوشته‌ام که امروز از خواندن آنها خجالت می‌کشم. انسان هادر حال رشد هستند و ما همواره در حال آموزش هستیم و امروزمان بهتر از دیروزمان است. نکته مهم این است که بازنویسی باید متناسب باشد. باید در یک فاصله زمانی بازنویسی کرده و کار را تمام کند و مرتباً نخواهد متن را تغییر دهد، چون هر بار که به متن برمی‌گردید با خود می‌گویید این متن می‌تواند بهتر شود، در حالی که این متن باید به دست مخاطب برسد. افرادی به دلیل تعدد بازنگاری و بازنویسی هیچ وقت راضی نمی‌شوند متن شان منتشر

طوری نگاه کنم که مخاطب جذب شده و خبر، پربازدید شود. برخی خبرنگاران به ماجرا به صورت یک ماموریت کاری نگاه می‌کردند. در اخبار پوششی، تیتیر مهم است که انتخابش یک فوت کوزه‌گری و یک هنر است. ما در این سال‌ها تیتیرهای زیادی زده‌ایم و اگر تمرین نکنیم یک جاهایی کیفیت افت می‌کند. در فضای مجازی و در روزنامه پیش از متن خبر ابتدا تیتیر دیده می‌شود. این قلاب اولیه کار را می‌سازد. در هر متنی، خواندن صفحه اول به من نشان می‌دهد با یک نویسنده طرف هستم یا با فردی که دوست دارد نویسنده شود؟! این قلاب، هم در کار رسانه و هم در نویسندگی وجود دارد. وقتی یادداشتی ۵۰۰ کلمه‌ای می‌نویسیم که حجمش برابر با دو صفحه کتاب است، حتماً باید جمله اول، قلاب را بیندازد، وگرنه یادداشتی رفع تکلیفی است.

دو کلید مهم

به دوستان در کارگاه‌های مختلف نویسندگی دو کلید می‌دهم؛ یکی «قلاب اولیه» است تا ذهن مخاطب را درگیر کند که چرا باید این مطلب را تا آخر بخواند؟ و دیگری جملات کوتاه است. ویرایش اولیه هم نکته مهمی است. باید متن را دوباره و سه باره خواند و جملات را تا حدی کوتاه کرد. کوتاه کردن جملات دو کار انجام می‌دهد؛ اول این که حجم کلی مطلب را پایین می‌آورد و دوم این که اثر کوتاه نویسی، بالا رفتن ضرباهنگ متن است. قبل از این که مخاطب بخواهد متن شما را کنار بگذارد، ضرباهنگ او را تا آخر برده است. این اتفاق می‌تواند در یک رمان ۵۰۰ صفحه‌ای، داستانی ۱۰ صفحه‌ای یا یادداشتی ۵۰۰ کلمه‌ای تجربه شود. توجه به این دو کلید یعنی برداشتن گام بزرگی در نویسندگی. کسی که نمی‌تواند قلاب بسازد یا جملات کوتاه بنویسد، به جای نویسندگی می‌تواند به سراغ دیگر کارها برود.

پاشیدن خون روی صورت مخاطب!

پازوکی: وقتی شما خبرنگار جنایی هستید، خبر حوادث جذابیت دارد و بدون این که نیاز زیادی به تلاش و مهارت داشته باشد، محتوای خبر، خواننده را جذب می‌کند. ولی فرهنگ و هنر در نقطه مقابل قرار دارد و باید برای صحبت در این حوزه از خودمان مایه بگذاریم تا بتوانیم قلاب بیندازیم و مخاطب را همراه کنیم. برای ما مهم است بدانیم شما در

میثم رشیدی مهرآبادی



سردبیر

ققسه کتاب

به دعوت مجموعه ادبی فرهنگی «زیرمتن» نشست تجربه‌نگاری با اهالی قلم و رسانه با حضور آمنة پازکی (داستان‌نویس)، میثم رشیدی مهرآبادی (روزنامه‌نگار) و امیر رضایی (مجری - کارشناس ادبی) برگزار شد. در خلال این نشست، مباحثی کاربردی مطرح شد که خلاصه‌ای از آن پیش روی شماست.

امیر رضایی: یک نویسنده تازه‌کار باید چه کاری بکند؟ دوستانی به نویسندگی علاقه مند هستند و می‌خواهند نوشتن را آغاز کنند؛ از نظر شما چگونه باید شروع کرد؟

آمنة پازکی: بهتر بود این سؤال را از من نمی‌پرسیدید، زیرا من نویسندگی را با شرایطی که بسیاری از نویسندگان شروع کرده‌اند، آغاز نکرده‌ام. چون من دنبال نویسندگی و داستان نویسی نبودم، نمی‌توانم در این زمینه اظهار نظر کنم. من دلی و ناگهانی و شاید بتوان گفت توفانی شروع به نوشتن کردم. تجربه من خاص است و شاید برای هر کسی اتفاق نیفتد. آنچه در میان تمام نویسنده‌ها مشترک است، بحث انگیزه و پشتکار است. نوشتن برعکس آنچه به نظر می‌آید، چه آسان و چه سخت، به تفاوت نگاه نویسنده بستگی دارد. اگر انگیزه بالا باشد و تمرین کند در خلال این وضعیت روزها و ساعت‌هایی خواهد داشت که به یأس می‌رسد و می‌گوید دیگر نمی‌تواند ادامه بدهد و بریده است اما در نهایت آنچه یک نفر را پای نوشتن نگه می‌دارد، علاقه و انگیزه‌ای است که در ابتدا برای خودش انتخاب کرده است. امکان ندارد با چالش روبه‌رو نشوید. نویسنده‌ای که با چالش روبه‌رو نمی‌شود، نویسنده نیست. مواجعه با چالش در هر شغل و تخصصی طبیعی است. باید عده‌ای راهنمای شما باشند، کمک و مشاوره بگیرند و بتوانید پیش بروید.

خود را نویسنده ندانیم!

امیر رضایی: یک نویسنده تازه‌کار از کجا باید بفهمد که راه را درست می‌رود؟

میثم رشیدی مهرآبادی: برای کسی که می‌خواهد نویسنده شود، مهم است که هیچ وقت خود را نویسنده نداند. نویسنده دانستن خود، پرتگاه سختی است. ممکن است در نقطه‌ای بالا و نزدیک به قله باشد و چند کتاب پرفروش داشته و چند جایزه ادبی گرفته باشد، ولی مهم است که فرد، خود را نویسنده نداند و در مسیر همچنان برای رسیدن به نویسندگی تلاش کند. من زمین خوردن کسانی که خود را نویسنده می‌دانند، زیاد دیده‌ام و به شدت از آن می‌ترسم.

لذت انتشار یک کتاب و چند ورق صحافی شده که اسم فرد روی آن نوشته شده، انگیزه بسیاری را همان جا تمام می‌کند و دیگر ادامه نمی‌دهند. من درباره کسانی حرف می‌زنم که دوست دارند مسیر را ادامه بدهند. این وضعیت در رسانه هم وجود دارد؛ وقتی من در جایگاه خبرنگاری، دبیری سرویس و مدیر کلی در برخی از خبرگزاری‌ها بودم، مدیران کل حضور در برنامه پوششی را دون شأن خود می‌دانستند، ولی من هفته‌ای یکی، دو بار می‌رفتم، چون باید خود را همواره خبرنگار و در مسیر می‌دانستم. آن زمان مهم بود که بتوانیم متن خبر را تند بنویسیم و خودمان تایپ و منتشر کنیم. من به سمت خبری می‌رفتم که تحلیل و تیتیری متفاوت داشت و بیشتر از خبر دیگر خبرنگاران آن نشست خبری، دیده می‌شد. این اتفاق باعث شد در دوران کرونا به خاطر محدودیت‌های گرونیایی در نشست‌های خبری که ۳۰ تا ۴۰ خبرنگار داشت، فقط یکی، دو نفر دعوت می‌شدند، من همیشه یکی از دعوت‌شده‌ها بودم، چون سعی می‌کردم به نشست خبری

